

گزاره‌های دستوری در حوزه فقه اقتصادی قرآن کریم رهبانک نورسالت و فقه در جامعه اسلامی

محمد اسماعیل زاده

مقدمه

دیر زمانی است که رسم جامعه علمی بر این بوده که حوزه دانش‌ها را از یکدیگر جدا سازد تا دانش پیراسته از داوری‌ها و انگاره‌های پیشینی و شخصیتی مقبولیت عام یافته پیشرفت شتابان تری بیاید. در اقتصاد هم مدت‌هاست که این تقسیم‌بندی در اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری یا علم و مکتب رخ نمایانده است. این تفکیک موجب شده است تا بسیاری از باورهای ارزشی در قالب‌های نوین مورد بی‌مهری واقع شوند و این دو جانب جدای از هم حرکت کنند و از تعامل سازنده محروم شوند.

آدمی در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش علاوه بر قوانین حاکم بر طبیعت و نظام جهان برای خویش حریم‌ها و قانون‌هایی بنا نهاده است که بازگشت آن‌ها با عنصر اندیشه و خرد است. انسان در پرتو خرد خویش به صورت طبیعی و منطقی نخست هست‌ها را درک می‌کند و به عینیت‌ها توجه می‌نماید سپس قوانین و نبایدهایی را در قلمرو زندگی فردی و اجتماعی خود در نظر گرفته و خود و دیگران را بدان‌ها می‌شناساند. این‌ها بدان معنی نیست که:

۱. انسان همواره در شناخت هستی و عینیت‌های جهان و زندگی خود به حقیقت راه یافته باشد.^۱

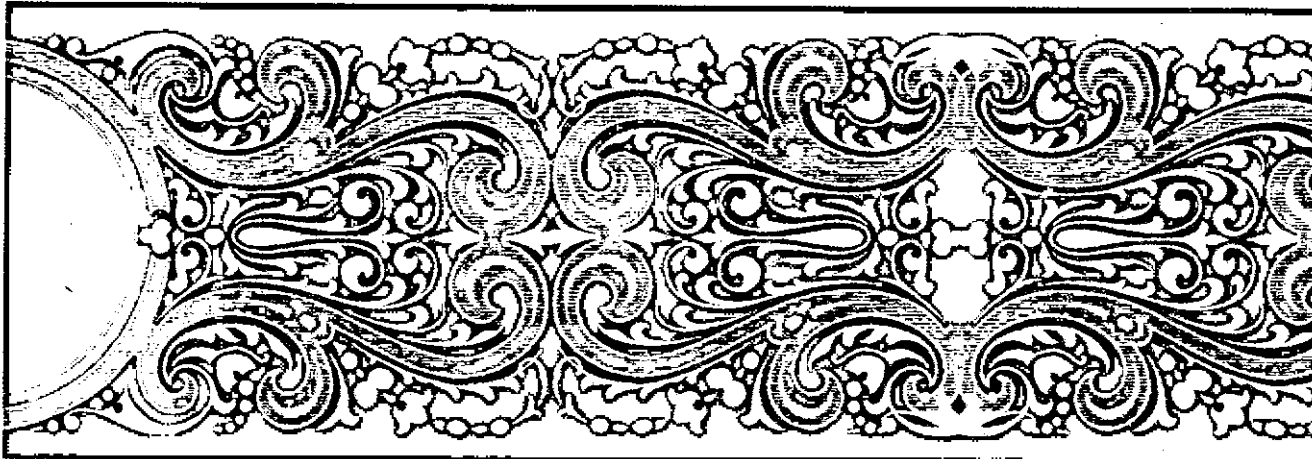
۲. در پایبندی به نبایدها و نبایدها همواره بر هست‌ها و معرفت درست تکیه داشته باشد.

بلکه بدون اینکه بر سه زمینه یاد شده تکیه و تأکیدی داشته باشیم، تنها در صدد بیان این نکته هستیم که شناخت هستی و هست‌ها و قانون‌مداری و قانون‌گذاری از لوازم زندگی انسان است.

قرآن کریم و مسائل باید و هست

هر چند نمی‌توان انتظار داشت که نگاه قرآن کریم به مسأله باید و هست مانند نگاه متکلمان یا فلاسفه اخلاق باشد؛ زیرا رسالت قرآن، پرداختن به مقوله‌های معرفتی درخور کتاب آسمانی است و مجال آن را ندارد که دغدغه‌های ریز تجربی بشری را به صورت موضوعی مورد داوری قرار دهد.

هر چند در برخی از آیات قرآن، پس از طرح توحید و هستی‌شناسی توحیدی، هیچ بایندی بر آن استوار نشده است اما در برخی آیات به روشنی این ترتیب و تفریع دیده می‌شود و هر چند این ترتیب و تفریع حکایت از یک استنتاج مربوط به قضایای منطقی صورتی نداشته باشد اما نوعی ترتیب طبیعی و متعارف را می‌رساند که برای آن، یک قانون و باید عقلی و عام است.



﴿اننى انا الله لا اله الا انا فاعبدونى واقم الصلوة لذكرى﴾ (طه / ۱۴)

برخی از آیات قرآنی با همین لحن وجود دارد: (انبیاء / ۲۵، مریم / ۶۵، یونس / ۳، غافر / ۱۲، انعام / ۱۰ تا ۱۰۳، مریم / ۳۶، زخرف / ۴۳، انعام / ۱۵۳ و ۱۵۵، انبیاء / ۹۲، حج / ۱، هود / ۱۲۳. دسته‌ای دیگر از آیات، آیاتی هستند که پس از بیان حقایق جهان به گونه‌ای مستقیم انسان‌ها را به دین‌گروی، ایمان و عبادت یا انفاق و... امر می‌کند آیاتی که از سوره مبارکه روم ۲۰ تا ۳۱ نمونه بسیار روشن از این دسته آیات هستند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت:

اول: روش قرآن در استدلال مانند روش معمول و متعارف خردمندان و مخاطبان بشری است در قرآن نیز در بسیاری موارد کبرای کلی قضایا یاد نشده و به فهم مخاطب اکتفا شده است.

دوم: درست است که الزام در قضایا و نتایج الزامی در گرو قضایای اخلاقی است ولی نباید غافل ماند که صغرای این قضایا نقش جدی در شکل‌گیری نتیجه دارد و بدون صغری نتیجه به دست نمی‌آید. نقش صغری در قضایایی که می‌خواهند ترکیب عناصر جهان‌بینی و ایدئولوژی را از نظر اصلی یا ارزشی بودن ایدئولوژی ثابت‌کنند، بسیار تعیین‌کننده است. هر چند کبری می‌تواند مورد توافق جهان‌بینی باشد اما صغری در حوزه ویژه هر جهان‌بینی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند و موضوع الزام را فراهم می‌سازد. بنابراین، جهان‌بینی در هر ایدئولوژی نقش دارد هر چند که این نقش در تعیین متعلق الزامات کلی است.^۱

نگاهی به اقتصاد اثباتی و دستوری حوزه ارزش اقتصاد آبا رویکرد انفاق صدقات و وقف در جامعه اسلامی؛ تا اواسط قرن نوزدهم انقضای نظریه اقتصادی، ناخودآگاه ذهن را به سوی تضاد شدید سوق داده و ذهن نیز سعی کرد با ایجاد تمایز خود را از آن رها سازد و تمایز بین اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری را و نیز تمایز بین اقتصاد به عنوان یک علم با اقتصاد به عنوان یک فن را درک کند.

در تقسیم‌بندی اقتصاد به اثباتی و دستوری بیشترین بحث بر این متمرکز بوده است که امکان وجود یک اقتصاد آزاد از داوری‌های ارزشی و سپس محدودیت‌های آن بررسی شود و به هیچ وجه سعی نشده است که علت بروز این دو دستگی تشریح شود.

مسئله تفکیک اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری سابقه‌ای دیرینه دارد. عده‌ای این دو شاخه را یک علم می‌دانند در حالی که عده‌ای دیگر اصطلاح علم دستوری را مفهوم متناقضی به حساب می‌آورند که تاکنون اقتصاددانان معانی و

مفاهیم بسیار متنوعی برای این دو اصطلاح در نظر گرفته‌اند که این مفاهیم متنوع خود پیدایش دیدگاه‌های مختلفی را موجب شده است. با این حال آنچه مسلم است این است که ویژگی‌های اقتصاد تحقیقی به طور عمده عبارتند از:

۱. جدا بودن از تفکر متافیزیکی؛
۲. مبتنی بودن بر واقعیات قابل درک؛
۳. احتمالی بودن صحت آن؛
۴. غیر اخلاقی و غیر سیاسی بودن مسائل آن؛
۵. داشتن جنبه‌های توصیفی؛
۶. عملی بودن، عینی بودن، کارایی داشتن و قابل اثبات بودن و اطمینان آوری آن.

ویژگی‌هایی هم که به طور عمده برای اقتصاد دستوری در نظر گرفته می‌شود به طور خلاصه عبارتند از این که اقتصاد بیشتر شامل قواعد ارزشی و معیارهای استاندارد است که در مقایسه با اهداف صریح هستند و کاربرد آن‌ها بیشتر ارزش‌یابی و ارزش‌گذاری سیاست‌های اقتصادی است و وسایل و فنون واسطه‌هایی برای رسیدن به اهداف معین هستند.

در حال حاضر علم اقتصاد با حذف جایگاه ارزش‌ها در نظام‌های روان‌شناسی دچار مشکلات و نابسامانی‌های بسیاری شده است. یکی از آسیب‌ها و مشکلات شناخت، ماهیت و عینیت اقتصادی است که خود، زمینه‌های پرسش‌های دیگری را به وجود آورده است از جمله؛ آیا ارزش‌ها در عینیت اقتصادی موجودند یا خیر؟ اگر وجود دارند چگونه است که بدون ملاحظه آن‌ها می‌توان عینیت را به طور کامل بررسی کرد؟...

ما با دو چالش اساسی مواجه هستیم.

الف. روش‌شناسی: آسیب دیگر علم اقتصاد از نظر روش‌شناسی مسئله قضاوت ارزشی است، یعنی آیا این امر در اقتصاد محقق، خود موضوع تحقیق است یا اینکه تجربی بودن این علم با عینیت علمی آن سازگار است و آیا به این ترتیب می‌توان اصل آزادی ارزش را حفظ کرد؟ آیا امکان دارد که مبنای اطلاعات و معیارگزینش محقق، با توجه به هدفی خاص و معیار ارزشی صورت پذیرفته باشد؟ و از همه مهم‌تر این که آیا میان قضاوت ارزشی اقتصاددان با رجوع ارزشی او ارتباط منطقی وجود دارد یا خیر؟

ب. انسان‌شناسی اقتصادی: یکی دیگر از آسیب‌های اساسی علم اقتصاد، مسئله انسان اقتصادی است. انسان اقتصادی که جان استوارت میل آن را به عنوان پایگاه نظری اقتصاددانان مطرح کرده است، اکنون با سؤال جدی مواجه شده است. مفهوم انسان اقتصادی عقلایی بر اساس چه دیدگاه و بینش فلسفی معرفی و انتزاع شده است؟ آیا معیار تعیین‌کننده رفتار دلخواه است؟ یک انسان اقتصادی جعلی تا چه حدودی در تبیین عملکرد انسان واقعی و عینی موافق است؟

برنامه‌های اقتصادی با مادی تصور کردن انسان و ندیدن انگیزه‌های معنوی و ارزش‌های انسانی چه موضع‌گیری خواهند داشت؟ و... خلاصه بسیاری از پرسش‌های عقلی به این نکته باز می‌گردد.

اقتصاد چنان که در ذهن ما وارد کرده‌اند فاقد احکام ارزشی نیست و هم‌چنین اسلام از مفاهیم اثباتی درباره واقعیت‌های اقتصادی نیز خالی نمی‌باشد و لذا احتمال دارد که با جایگزین کردن احکام دستوری اسلامی به جای

احکام دستوری غیراسلامی و با در نظر گرفتن واقعیت‌های اقتصادی که تا کنون بشر تحت مفاهیم اثباتی اقتصاد شناخته است به اضافه ذخیره مفاهیم اثباتی اقتصاد اسلامی به نتایج قابل قبولی برسیم.

۱. گزاره‌های اقتصادی اثباتی قرآن

در متون دینی در تعدادی از آیات و روایات شریعت مقدس، با اشاره به ویژگی‌های رفتاری انسان و با یک گروه خاص به نحوه عملکرد و مواجهه آنان با مسائل اقتصادی پرداخته است که دقت و در نظر داشتن آن‌ها می‌تواند دستمایه مناسبی جهت تحلیل و مطالعه رفتارهای انسانی مؤثر بر حوزه اقتصاد در اختیار قرار دهد. مطالعه و بررسی این‌گونه ویژگی‌های رفتاری دارای اهمیت و ظرافت بیشتری است. البته اگر اتصال این منابع با مصدر وحی و علم لایزال الهی و دور از هر گونه خطا و اشتباه در نظر گرفته شود.

در این میان زمینه گزاره‌های اقتصاد اثباتی در قرآن به چهار گروه تقسیم می‌شود:

۱. گزاره‌های حاکی از تأثیر عوامل اقتصادی بر دیگر حوزه‌های فردی و یا اجتماعی؛
۲. گزاره‌های حاکی از تأثیر عوامل مؤثر بر مسائل اقتصادی؛
۳. گزاره‌های حاکی از رفتارهای اقتصادی؛
۴. گزاره‌های حاکی از قوانین و سنت‌های عام الهی که بر مسائل نیز حکومت می‌کنند.

گزاره‌های حاکی از تأثیر عوامل اقتصادی بر دیگر حوزه‌های فردی و اجتماعی:

۱. نقش دارایی‌ها در قوام زندگی اجتماعی

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء / ۵)

وهمی خواتیم الله فی ارضه جعلها مصلحة لخلقها و بها تستقیم شؤونهم و مطالبهم^۵
این نکته به نظر می‌رسد که در آیه ۵ سوره مبارکه نساء اموال به اولیایک نمایندگان جامعه اند نسبت داده شد و اموالکم نشان دهنده آن است که حق افراد در مالکیت خصوصی هیچ‌گاه نباید با حق جامعه در تضاد و تراحم باشد، علامه طباطبایی به این نکته عنایت خاصی دارند.^۶

اموال و ثروت ملت اگر بخواهد به شکل صحیح خود در جامعه گردش نداشته باشد، قوام جامعه تضعیف شده و جامعه دچار مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی فراوان خواهد گردید و امور و مسائل از استقامت و استواری لازم برخوردار نخواهد بود.^۷

۲. تأثیر اقتصاد ناسالم بر بحران اجتماعی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ (نساء / ۲۹)

عبارت «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» بعد از نهی از معاملات فاسد آمده است و از آن می‌توان استفاده کرد که اموال در جامعه ارزش بنیادی دارد. نکته جالب توجه آن که تعبیر قرآن آن است که خودتان را نکشید. گو این که روابط ناسالم اقتصادی نوعی انتحار اجتماعی است یعنی چنین جامعه‌ای با دست خود، خود را به ورطه هلاکت می‌کشاند. شاید بررسی

دقیق بسیاری از اقتصادهای ناسالم این حقیقت تلخ را برای ما آشکار می‌سازد.^۱

۳. تأثیر عدالت در توزیع بر گردش سرمایه

﴿مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ لَلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقَرِيبِ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر / ۷)

بررسی در مورد این آیه سوره حشر و تحلیلی که در آیه آمده است، نشان می‌دهد که علت منصوص قابل تعمیم بوده و انفاقات مالی و مسائل مالی به نحو عام را می‌توان به این حکم استناد کرد و این آیه مخصوص انفال نیست. در این زمینه سید قطب در تفسیر خود می‌گوید:

این آیه نشانگر قاعده اقتصادی مهمی است که جنبه مهمی از پایه‌های نظری و نظریه اقتصاد اسلامی را نشان می‌دهد. مالکیت خصوصی در این قانون محترم شمرده شده است ولی محدود به این است که مال بین ثروتمندان با تناوب در گردش نباشد و فقرا از دسترسی به آن محروم نباشند. هرگونه قانونی که مالی را انحصاراً در سلطه ثروتمندان قرار دهد، قانونی بر خلاف اقتصاد اسلامی است و در روابط اقتصادی نیز خلل وارد می‌سازد و کلیه پیوندها و معاملات در جامعه اسلامی باید طوری تنظیم شود که منتهی به این وضع نشود.

قرآن با مذموم دانستن گردش انحصاری اموال در دست عده‌ای مخصوص، عدالت در توزیع ثروت و درآمدها را راهی برای عدم تحقق تداول ثروت در دست سرمایه‌داران معرفی می‌کند.

۴. فقدان اعتدال در هزینه عامل تنگدستی و فشار روحی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ (اسراء / ۲۹)
﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان / ۶۷)

از مکتب اهل بیت علیهم السلام چنین برمی‌آید انگیزه مصرف از دیدگاه اسلام، رفع نیاز واقعی انسان در تأمین معاش با رعایت میانه‌روی و موقعیت زمانی و مکانی است. بنابراین مصرف بیش از حد نیاز مصرف در غیر مورد نیاز، اتلاف مال قابل استفاده و بد استفاده کردن هم از مصادیق اسراف و تبذیر است. همان اقلام مصرفی، هم مصرف‌کننده و هم کیفیت مصرف را معین می‌کند. از این رو حضرت امیر مؤمنان، علی (ع) می‌فرماید: «اعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و اسراف»

خداوند در قرآن کریم اسراف و نمونه‌های آن را بیان کرده است.

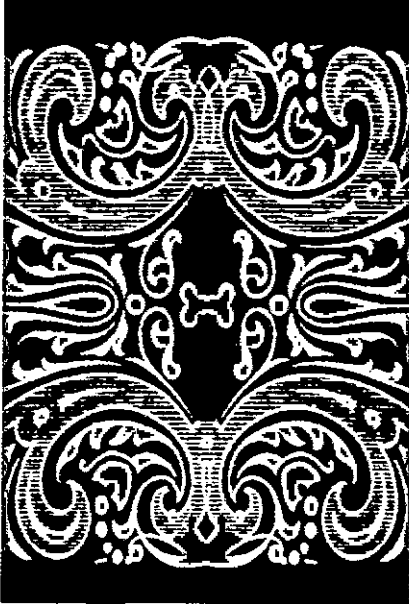
﴿وَإِحْسَنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ الْبَيْتَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص / ۷۷)

﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره / ۲۰۵)

جای تردید نیست که یکی از بزرگ‌ترین مفاسد اجتماعی در دنیای امروز نابسامانی‌های ناشی از فقر و گرسنگی توده‌های عظیمی از جمعیت جهان است.

تحقیقات و بررسی‌های جهانی که متخصصان تاریخ و جامعه‌شناسی به عمل آورده‌اند نشان می‌دهد که عدم توزیع عادلانه و به تعبیر دیگر شکست نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم، عامل مؤثر در ناکامی‌های اقتصادی و اجتماعی جهان معاصر است.

راهکارهای اساسی دین مبین اسلام، توجه به زکات، انفاق، وقف و... می‌باشد در اسلام بر پرداخت زکات آثاری



تبیین و تشریح شده است.

الف. پرداخت زکات مانند نماز عامل تقویت روحی است، ﴿لا خوف علیهم ولا هم یحزنون﴾؛

ب. پرداخت زکات موجب رحمت خداوند می‌گردد.^{۱۱}

ج. زکات علاوه بر تزکیه نفس، تزکیه مال از ناخالصی است و تا این حق جدا نشود مال

پاکیزه و خالص نمی‌گردد و مال مورد زکات عیناً متعلق به حق دیگران است.^{۱۲}

هـ. پرداخت زکات عامل جلب یاری خداست.^{۱۳}

و. زکات عامل هدایت ویژه خدا و مؤثر در بالا بردن ایمان و قدرت مقاومت و موجب

محبت و برادری می‌گردد.^{۱۴}

در قرآن کریم جمع آوری مال و زراندوزی خودبه خود یعنی در ماهیت خود بدون توجه

به عناوین ثانویه مذموم شمرده شده است چراکه تکاثر و انباشت مال موجب تمرکز در

حیطه قدرت و یا افرادی خاص می‌شود و این امر با دو عنصر عدالت اقتصادی که یکی از

اهداف اقتصادی اسلام است ناسازگار و در تضاد می‌باشد. دلیل آن این است که:

۱. مانع از کفاف اقتصادی دیگر افراد جامعه و رفاه عمومی می‌شود.

۲. مانع از تعدیل ثروت و موجب افزایش فاصله بین فقیر و غنی می‌گردد.

انفاق عامل تزکیه و آرامش است و دارای ثمرات و براکتی در جامعه اسلامی است.

۱. انفاق عامل تزکیه و آرامش

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿خذ من اموالهم صدقه تطهرهم وتزکّیهم بها وصلّ علیهم ان صلواتک سکن لهم﴾ (توبه / ۱۰۳)

﴿و مثل للذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثیباً من انفسهم کمثل جنة بریوة اصابها وابل...﴾ (بقره / ۲۶۵)

۲. فقر کلید مشکلات اقتصادی

امام علی بن موسی الرضا (ع) در این زمینه می‌فرماید:

المسلفة مفتاح الیومی^{۱۵}

﴿الشیطان یعدکم الفقر ویأمرکم بالفحشاء﴾ (بقره / ۲۶۸)

۳. نقش فزونی ثروت در ستم‌گرایی

﴿ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولكن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خیر بصیر﴾ (شوری / ۲۷)

۴. احساس بی‌نیازی عامل طغیان

— ﴿ان الانسان لیطغى ان رآه استغنى﴾ (علق / ۷ - ۶)

— ﴿کلوا من طیبات ما رزقناکم ولا تطغوا فیه﴾ (طه / ۸۱)

— «ولا تقرّنی فاطمی»^{۱۶}

— امام باقر (ع) می‌فرماید: «ولا ترزقنی رزقاً یطغینی»^۶

۵. رفاه مادی زمینه ساز کمال است

«نعم العون علی تقوی الله الغنی»^۷

۲. گزاره‌های حاکی از تأثیر عوامل مؤثر بر مسائل اقتصادی

عوامل کمبود:^۸

بسیاری از اقتصاددانان علت پیدایش علم اقتصاد را کمیابی منابع دانسته‌اند در مورد مفهوم کمیابی منابع دو دیدگاه در مکاتب اقتصادی و نظریه اقتصاددانان مشاهده می‌شود. این نکته قابل ذکر است از همه امکانات طبیعی و انسانی استفاده نمی‌شود و درصد بالایی از زمین‌های قابل کشت جهان زیر کشت نمی‌رود.^۹ به گونه‌ای که در آمریکای لاتین همواره تضادی شدید بین فقر انسان‌ها و غنای طبیعت وجود دارد.^{۱۰} و در آفریقا به جای سخن از اضافه جمعیت باید از اسراف منابع طبیعی سخن گفت.

منابع غذایی دریایی نیز بسیار اندک مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز منابع بسیاری به هدر می‌رود. به عقیده کلنین کارک و چند محقق دیگر اگر همه زمین‌های قابل کشت کشورهایی مانند (هلند و دانمارک) مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت دنیا می‌توانست به ۱۴ میلیارد جمعیت غذا دهد.^{۱۱} پل بروک نیز می‌نویسد: با منابعی که امروزه در دست است می‌توان نزدیک به ۴۰ میلیارد انسان را تغذیه کرد.^{۱۲}

خوشبختانه جدیدترین ابتکارات در زمینه استحصال از منابع طبیعی و غذایی، نوید تحول اساسی در قدرت بهره‌برداری از منابع را می‌دهد. در اسلام ارزش‌ها ملازم با افزایش نعمت است.

۱. ایمان به خدا

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض ولكن کذبوا فأخذناهم بما كانوا یکسبون﴾ (اعراف/ ۹۶)

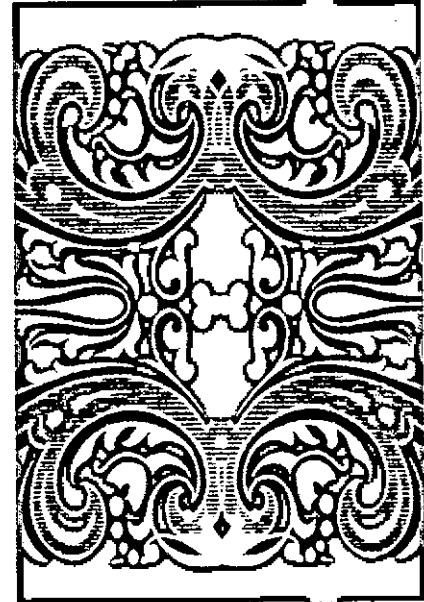
۲. استغفار و توبه

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿قلعت استغفروا ربکم انه کان غفراً یرسل السماء علیکم مدراراً و یمدکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهاراً﴾ (نوح/ ۱۲ - ۱۰)

۳. اجرای شریعت‌های آسمانی

خداوند در این زمینه می‌فرماید:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

﴿ولو انهم اقاموا التوراة والانجيل وما انزل اليهم من ربهم لأكلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم﴾ (مائده / ۶۶)

۴. سپاسگزاری و شکر نعمت

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿لئن شكرتم لازيدنكم ولئن كفرتم ان عذابی لشديد﴾ (ابراهيم / ۷)

۵. تقوا و توکل و یا عمل صالح

خداوند در این زمینه می فرماید:

﴿بلى ان تصبروا وتتقوا ویاتوکم من فورهم هذا يمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومين﴾ (آل عمران

/ ۱۲۵)

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض﴾ (اعراف / ۹۶)

۶. جایگزینی انفاقات مالی

خداوند در این زمینه می فرماید:

– ﴿وما انفقتم من شىء فهو یخلفه وهو خیر الزاقين﴾ (سبا / ۳۹)

– ﴿من الذی یقرض الله قرصاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیرة﴾ (بقره / ۲۴۵)

– ﴿وما تنفقوا من شىء فی سبیل الله یوف الله یوف الیکم وانتم لا تظلمون﴾ (انفال / ۶۰)

۷. نقش کفران نعمت در فقر و ناامنی

﴿الم تر الى الذین بدلوا نعمت الله کفراً واحلوا قومهم دارالبوار﴾ (ابراهيم / ۲۸)

۸. ازدواج عامل افزایش روزی

﴿وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنم الله من فضله﴾ (نور / ۲۴)

«النکاح یزید فی الرزق»^{۳۳}

«اتخذوا الامل فانه ارزق لکم»^{۳۴}

۹. نقش تقوا در گشایش غیر مرقبه

– ﴿ومن یتق الله يجعل له مخرجاً ویرزقه من حیث لا یحتسب﴾ (طلاق / ۲ – ۳)

– ﴿ومن یتق الله يجعل له من امره یسراً﴾ (طلاق / ۴)

۳. گزاره های اثباتی حاکی از رفتارهای اقتصادی

گزاره های اثباتی از رفتارهای اقتصادی بر سه قسمت است:

۱. طبیعی بودن علاقه به تجمل؛^{۳۵}

۲. تجمل گرایی عامل فاصله طبقاتی؛^{۳۶}

۳. همراهی تجمل گرایی با زورگویی.^{۳۷}

در مکتب ما ویژگی های اثباتی مترفان در قرآن عبارتند از:

۱. کوشش پی گیر، در راه تنعم و لذت طلبی؛
۲. شکایت پیشه گر آسایش طلبان؛
۳. استکبار آسایش طلبان و مترفان؛
۴. صف آرای مترفان در مقابل مؤمنان.

شاخص های این گزاره های اثباتی حاکی از رفتار اقتصادی در قرآن کریم عبارتند از:

۱. مصرف گرایی منشأ نایسامانی

﴿ولا تکنوا کالذین خرجوا من دیارهم بطراً﴾ (انفال / ۴۷)

– ﴿وکم اهلکننا من قریة بطرت معیشتها فتلک مساکنهم لم تسکن من بعدهم الاً قليلاً وکننا نحن الوارثین﴾

(قصص / ۵۸)

۲. دلباختگی عامل پندار پایداری

آیات سوره کهف از آیه ۳۲ – ۴۴، به ویژه آیه ﴿وما أظن ان تبید هذه ابداً﴾ (کهف / ۳۵)

۳. طبیعی بودن گرایش به مال ثروت

﴿زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والانعام

والحرث﴾ (آل عمران / ۱۴)

۴. بخل انسان نسبت به مال

– ﴿وانه لحب الخیر لشدید﴾ (عادیات / ۸) ﴿تحبون المال حیاً جمماً﴾ (فجر / ۲۰)

۵. حرص انسان و پیامدهای آن

– ﴿ان الانسان خلق هلوماً اذا مسه الشر جزوعاً واذا مسه الخیر منوعاً الاً المصلین﴾ (معارج / ۲۲ – ۱۹)

۶. فزون طلبی در جمع مال

– ﴿انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال والاولاد﴾ (حدید / ۲۰)

﴿الهاکم التکاثر﴾ (تکاثر / ۱)

۷. ناسپاسی

– ﴿وکان الانسان کفوراً﴾ (اسراء / ۶۷)

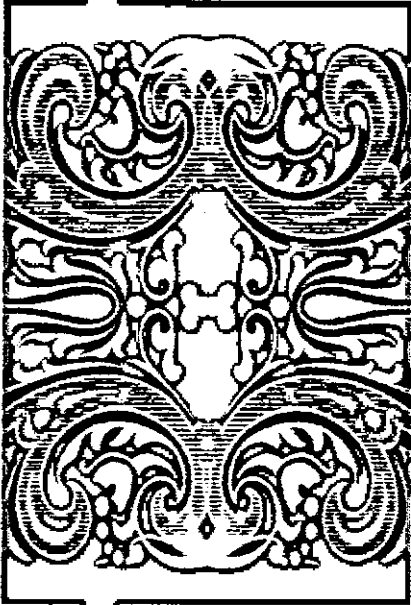
– ﴿ان الانسان لظلوم کفار﴾ (ابراهیم / ۳۴)

– ﴿ان الانسان لربه لکنود وانه علی ذلک لشهید﴾ (عادیات / ۷ – ۶)

– ﴿ان الانسان لکفور مبین﴾ (زخرف / ۱۵)

۸. خودداری از انفاق

– ﴿قل لو انتم تملکون خزائن رحمة ربی اذا لامسکم خشية الانفاق وکان الانسان قتوراً﴾ (اسراء / ۱۰۰)



۹. شتاب زندگی

﴿وكان الانسان عجولاً﴾ (اسراء / ۱۱)

﴿يدع الانسان بالشر دعاء بالخير﴾ (اسراء / ۱۱)

۴. گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد

این گزاره‌های حاکی از سنت‌های حاکم بر اقتصاد عبارتند از:

۱. نقش انسان در سنت خوشبختی و بدبختی

﴿ذلك بان الله لم يك مغيراً نعمة انعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وان الله

سميع عليهم﴾ (انفال / ۵۳)

﴿ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم﴾ (رعد / ۱۱)

﴿ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس ليذيقهم بعض الذي عملوا

لعلهم يرجعون﴾ (روم / ۴۱)

۲. گوارایی زندگی بدون هوای نفس

بر اساس جهان بینی اقتصادی اسلام دو مطلب مسلم است:

الف. رفاه مادی هدف غایی زندگی دنیوی نیست

ب. رفاه مادی برای دست یابی به هدف غایی بهشت رضوان و مقام قرب الهی زمینه‌ای خوب است.

در قرآن کریم نیز می‌خوانیم: ﴿من يتق الله يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب﴾ (طلاق / ۲ - ۳) برخی

از روایات نیز نشان می‌دهد که یاد خدا و نعمت‌های او زندگی را گواراتر می‌سازد. در حدیث قدسی می‌فرماید:

گواراترین زندگی، زندگی کسی است که از یاد من سستی نورزد، نعمتم را فراموش نکند، به حق من جاهل نباشد و

شب و روز در پی رضای من به سربرد.^{۲۸}

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً﴾ (طه / ۱۲۴)

﴿ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا

يكسبون﴾ (اعراف / ۹۶)

۳. توکل عامل کفایت الهی

﴿ومن يتوكل على الله فهو حسبه﴾

۴. نقش انسان در یاری رسانی الهی

﴿ان تنصروا الله ينصركم ويثبت اقدامكم﴾ (محمد / ۷)

﴿ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار و مالكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون﴾

۵. روی گردانی از یاد خدا عامل سختی و تنگی معیشت

﴿ومن اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً﴾ (طه / ۱۲۴)

۶. همراهی سختی با آسانی

- ﴿ان مع العسر يسراً﴾ (انشراح / ۶)
- ﴿سيجعل الله بعد عسر يسراً﴾ (طلاق / ۷)
- ﴿فأما من أعطى واتقى وصدق بالحسنى فسنيسره لليسرى﴾ (ليل / ۷ - ۵)

۷. ریزش نعمت‌ها عامل عذاب برای جامعه ناسالم

﴿فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيءٍ حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتةً فاذا هم مبلسون﴾
(انعام / ۴۴)

- ﴿ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله ان يعذبهم بها فى الدنيا و تزهق انفسهم وهم كافرون﴾ (توبه / ۸۵)
- ﴿ولا يحسبن الذين كفروا انما نملى لهم خيراً لا نفسهم انما نملى لهم ليزدادوا اثماً ولهم عذاب مهين﴾ (آل عمران / ۱۷۸)

۸. اصل عدم اطمینان از پیامدهای فعالیت‌های کنونی

- ﴿ولو كنت اعلم الغيب لا ستكثرن من الخير وما مستنى السوء﴾ (اعراف / ۱۸۸)
- ﴿وما تدرى نفس ماذا تكسب غداً﴾ (لقمان / ۳۴)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

۱. جوادی، محسن، مسأله بایدها و هست، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۱.
۲. علوی‌نژاد، سید حیدر «بایدها و هست در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۳ - ۱۴، ص ۱۴۰ - ۱۴۱.
۳. به نقل از پیروومینی، فلسفه و اقتصاد، ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر: تهران، شرکت انتشارات علمی، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۱۷۴.
۴. زریباف، سیدمهدی، علم اقتصاد نوین از دیدگاه مکاتب روش‌شناسی، نامه علوم انسانی، ۱، بهار ۷۹، ص ۶۵-۷۰.
۵. حکیمی، محمدرضا، برادران؛ الحیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم ج ۳، ص ۶۹.
۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسة العلمی للمطبوعات، ج ۴، ص ۱۸۲.
۷. جهت اطلاع رجوع شود.
- منتظر ظهور، محمود، اقتصاد خرد و کلان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۵۹، ص ۴۱۶ به بعد.
- طالقانی، محمود، اسلام حکومت، تهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۴، ص ۱۸۰، ۲۴۳.
۸. موسوی، سید جمال‌الدین، پیام‌های اقتصادی قرآن؛ جمعی از نویسندگان در تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵۶، طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۲۳۰.
۹. سید قطب، فی خلال القرآن، ج ۲۸، ص ۳۷.

۱۰. توبه / ۱۰۴ - ۱۰۳.
۱۱. اعراف / ۱۵۶.
۱۲. حج / ۴۱.
۱۳. نمل / ۱ - ۳، توبه / ۱۱ - ۱۷.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۵۳؛ حکیمی، الحیاة، ص ۲۸۴ - ۴۳۷.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹، ص ۸۷.
۱۶. عمان، ج ۹۷، ص ۳۹۷؛ حکیمی، الحیاة، ج ۴، ص ۲۷۹.
۱۷. قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصاد: انتشارات دانشگاه تهران، ص - ۷۸.
۱۸. ایولاکست، جغرافیای کم رشدی، ترجمه سرویس مهمی، ص ۴۹.
۱۹. باران بل، اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه آزادمنش، ص ۳۸۸.
۲۰. سودی، آنفرد، مالتوس دورماکسی، ص ۲۰۶.
۲۱. بروک بل، جهان در بن بست، ترجمه امیرحسین جهانگیلو، ص ۳۲۲.
۲۲. همان.
۲۳. میزان الحکمة، ج ۴، باب ۱۶۳۶.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳ - ص ۲۱۷.
۲۵. اعراف / ۳۲ و ۳۱؛ نحل / ۸.
۲۶. کهف / ۲۸.
۲۷. شعرا / ۳۰ - ۱۲۸.
۲۸. بحارالانوار، ج ۷۰ و ۲۸؛ جهت اطلاع در این حوزه به آثار ذیل رجوع شود.
 - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، ج ۲، ص ۲۳۴.
 - قرانتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه در راه حق، ص ۱۳۳ - ۱۳۲.
 - باقری المحسنی، مقالاتی در اقتصاد اسلامی، دکتر میرآخور، ترجمه حسین گلریز، تهران نشر، مؤسسه بانکداری ایران ۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی